

## رہیافت جامعه‌شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن در جهان معاصر عرب\*\*

فاطمه جان‌احمدی\*؛ راضیه افشاری فر؛ سیدهاشم آقاجری<sup>۳</sup>

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۷ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱)

### چکیده

با تغییر موقعیت و بهبود منزلت اجتماعی و حقوق انسانی زنان در بستر تحول پارادایمیک و گفتمانی فرهنگ اروپا در قرون اخیر و انتقال دستاوردهای فکری آن به جهان اسلام، مسئله زنان از موضوعات مهم جامعه‌شناختی جهان اسلام شد. درهم‌تنیدگی مسائل و تسلط گفتمان دینی در جهان اسلام نیز بخش مهمی از بحث و گفت‌وگو درباره زنان را در حوزه دین و حیطة شریعت قرار می‌دهد، به این ترتیب زن از مسائل متفکران مسلمان می‌شود و همچنین چالش‌های بومی زن معاصر موجب شد پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و تخصصی در امور زنان

---

۱. استاد گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

f.janahmadi@modares.ac.ir  
<https://orcid.org/0000-0003-4609-2011>

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.  
<https://orcid.org/0000-0001-5۵۵۲-۱۰۹۸>

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.  
<https://orcid.org/0000-0001-8852-9619>

\*\* از جناب دکتر جواد مرشدلو استادیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس بابت مشاوره و راهنمایی‌های ارزنده شان سپاس‌گزارم.

شکل گیرد. نصر حامد ابوزید نومعتزلی، اندیشمند مسلمان با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی و علمی چون جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی و رویکردی انسان‌گرایی و روش‌هایی همچون هرمنوتیک با نگاهی نو و مفسرانه که برگرفته از رویکرد قرآنی است، به مسئله زن توجه ویژه‌ای دارد. تلاش‌های وی متمرکز بر بازنمایی چهره زن مسلمان با رویکرد جامعه‌شناختی، متناسب با تحولات عصری درباره حقوق و بحران‌های اجتماعی زنان است. پژوهش پیش‌رو در پی دستیابی بر مؤلفه‌های مفسرانه حامد ابوزید و راه حل او برای مسئله زنان است. وی معتقد است چالش‌های معاصر زن مسلمان نه برآمده از قرآن، بلکه در سنت‌های مردانه، تسلط فضای پدرسالارانه و تصلب‌گرایی عرب ریشه دارد. وی با بیان اینکه «مسئله زن اساساً امری اجتماعی است» آن را از امور دینی جدا می‌کند و برآن است تا با الگو گرفتن از نگاه قرآن به زنان، توجه به تاریخ‌مندی متن مقدس و درنهایت توسل به سکولاریسم در قانون‌گذاری، به حل آن بپردازد. این پژوهش برای پرداختن به آرای حامد ابوزید از روش توصیفی - تحلیلی متکی بر تحلیل محتوا بهره گرفته است.

**واژه‌های کلیدی:** زن، حامد ابوزید، اسلام، نومعتزله، تاریخ‌مندی، سکولاریسم.

### بیان مسئله

رویاریویی ناگزیر مسلمانان با غرب مدرن که از آغاز سده نوزدهم در قالب سلطه استعمار فرانسه بر شمال آفریقا چهره نمود و به‌تدریج ذهنیت و فرهنگ اندیشمندان مسلمان را تحت‌تأثیر قرار داد، در سده بیستم به ظهور سه رویکرد غالب در فهم و تفسیر مدرنیته انجامید. جریان نخست با نفی سنت جامعه اسلامی در پی الگوبرداری کامل از غرب بود، اسلام و سنت‌های مربوط به آن را عامل تیره‌روزی مسلمانان معرفی می‌کرد. جریان دوم که با مدرنیته سر ستیز دارد، غرب را دشمن اسلام می‌داند و مدرنیته را نمود دسیسه‌های غربی‌ها برای آسیب به اسلام معرفی می‌کند. اما جریان سوم که

رهیافت جامعه‌شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن... \_\_\_\_\_ فاطمه جان‌احمدی و همکاران خود از بستر مواجهه فکری دو طیف قبلی برآمده مشتمل بر گفتارها و آرای متفاوتی است. رهیافت مذکور را به‌طور کلی می‌توان با عنوان نوگرایان منتقد معرفی کرد. جریان‌ی مسئله‌مند که می‌توان آن را تداوم آرای سیدجمال اسدآبادی و محمد عبده قلمداد کرد. این طیف خواستار آن است تا برای رستگاری مسلمانان، با تکیه بر آموزه‌های اسلام و دستاوردهای مدرنیته طرحی نو دراندازد و برای مشکلات و چالش‌های به‌وجودآمده، راه‌حل‌های منطقی و عقلانی پیدا کند؛ نومعتزله جریان فکری نوگراست که به این طیف تعلق دارد.

نومعتزله با توسل به سنت‌های عقل‌گرای موجود در جهان اسلام و اندیشه‌های اومانیستی و مباحث منشعب از آن در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های مسلمان معاصر برآمده است. در همین چارچوب «اندیشمندان نومعتزلی» با بهره‌مندی از ابزارهایی که مدرنیته و علوم انسانی — که در زیر لوای مدرنیته رشد کرده — در اختیارشان نهاده است به بازتفسیر متون دینی همت گمارده‌اند. همچنین برای مسائل مختلف در جهان اسلام که مسلمانان متأثر از تحولات غرب، دچار بحران در فهم تعریف سنتی یا کارآمدی آن شده‌اند، با بازتفسیر پویا و متناسب با پیشرفت‌های معاصر سعی در ارائه تعریف جدید یا راهکار نویی داشته‌اند.

ازجمله پرسش‌ها و چالش‌های اساسی در قرن حاضر، حول زن و مباحث مربوط به آن شکل گرفته است. مدرنیته و جریان‌های مترتب از آن، همچون فمینیسم و تضارب آرای سنتی جهان اسلام با این جریان نوظهور به همراه خواست‌ها و نیازهای جدید جامعه در حال تکوین عرب، زمینه تعریف جدیدی از زن، حقوق و وظایف آن را به‌وجود آورد. اما به‌دلیل ریشه‌های سنتی هژمونی‌گفتمان مردسالار، ارائه تعریف جدید و روزآمد از زنان به‌کندی مسیر خود را می‌پیماید. از آنجایی که زنان به‌منزله نیمی از

جامعه که در غالب سنتی، وظیفه خطیر فرزندآوری و فرزندپروری را برعهده دارند موردتوجه سه جریان پیش‌گفته قرار گرفته‌اند و بخشی از آرای خود را به چالش‌های این حوزه اختصاص داده‌اند. هر سه جریان خواستار رسیدن جامعه به تعالی و پیشرفت هستند و هرکدام به شیوه خود و با نگرش‌های غالب در جهان‌بینی‌شان به زن پرداخته‌اند. مهم‌ترین مباحثی را که این سه جریان بر آن متمرکز بوده‌اند در چندهمسری، طلاق، ارث و حجاب می‌توان خلاصه کرد، اما در نگاه کلان‌تر این مباحث برگرفته از نوع نگاه آن‌ها به زن و ساحت انسانی زن (روایت‌های چون ناقص‌العقل و...)، نابرابری‌های جنسیتی و برتری جنس مذکر (قومیت) و در آخر نحوه فعالیت زنان و حدود آن در اجتماع و سهم اقتصادی آن‌هاست که در ذیل حجاب و ارث به آن‌ها می‌پردازند.

در ساحتی کلی نومعتزلیان با نگاهی همدلانه با مدرنیته در پی دفاع از وجهه انسانی تعلیمات اسلامی هستند و معتقدند «مسئله زن» در سایه اسلام و با توسل به متن مقدس مسلمانان به سمت بهبود و تعالی حرکت کرده است. از اندیشمندان نومعتزلی که به شکل ویژه در پیرامون این مسئله آراء و نظراتی در خور توجه دارند می‌توان به فاطمه مرنسی، عبدالمجید الشرفی، نصر حامد ابوزید و غیره اشاره کرد. متأثر از شخصیت و تأثیرگذاری تاریخی نصر حامد ابوزید بر متفکران جهان اسلام، این پژوهش بر آرای او متمرکز است و تلاش می‌کند ضمن بازنمایی «مسئله زن» در آثار او، به راه‌حل‌های ارائه‌شده از سوی وی بپردازد.

به دلیل شهرت ابوزید به‌منزله یک نواندیش جهان عرب و جذابیت آرای او نزد طیفی از نواندیشان ایرانی مطالعات دامنه‌داری درباره او صورت گرفته است که بخشی از آن‌ها می‌تواند بسترساز مطالعه پیش‌رو باشد. مطابق بررسی‌های موجود تاکنون، درباره زندگی و آثار او نوشته‌های محدود و مختصری وجود دارد. درباره دیدگاه‌ها و

رہیافت جامعہ شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن... \_\_\_\_\_ فاطمه جان احمدی و همکاران عقاید او نیز آثاری کلی موجود است که مفصل ترین آن را پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی انجام داده است و یک جلد از مجموعه مقالات خود را به آرای ابوزید اختصاص داده است (مجموعه مقالات جریان شناسی و نقد اعتزال نو (ج ۴، چالش با ابوزید)، ۱۳۹۳)، اما درباره موضوع و مسئله این پژوهش، آثاری که به شکل مستقیم به آن پرداخته اند می توان به مقالاتی چون «بررسی و نقد مسئله زن از دیدگاه نصر حامد ابوزید» و «بررسی و نقد برخی از مهم ترین ادعاها و مبانی ابوزید در دوائر الخوف» اشاره کرد (توسلی، ۱۳۹۷) و (رستگاری، ۱۳۹۱) این نوشته ها عمدتاً نقدی بر آرای ابوزید هست و در حوزه علوم دین قرار می گیرد نه تاریخ اندیشه و در پی آن هستند تا درستی یا نادرستی آرای او را بررسی کنند. پژوهش های دیگری که به صورت گذرا و در ذیل مباحث خود به زنان نیز پرداخته اند می توان به مقاله «بررسی عینی گرایی و نسبی گرایی حامد ابوزید و تأثیر آن بر بعضی برداشت های تفسیری وی از قرآن» و «عدالت قرآنی در اندیشه نصر حامد ابوزید» اشاره کرد (حاجی اسماعیلی و بنیانیان اصفهانی، ۱۳۹۴؛ علی اکبر علیخانی، ۱۳۸۲). این مقالات نوشته شده پاسخ ابوزید به مسئله زنان و راهکار وی را مورد توجه قرار نداده و به راه حل ابوزید نپرداخته اند.

آنچه حائز توجه است اینکه ابوزید جامعه اسلامی را جامعه ای بحرانی می داند و متأثر از رویکرد جامعه شناختی از هژمونی «گفتمان بحران» در جهان اسلام سخن به میان می آورد. وی معتقد است که جامعه مسلمانان جامعه ای منحط و عقب افتاده است و «منطق سوء استفاده و انحصار حقیقت، منطق حاکم بر ساختار گفتمان سیاسی - دینی حاکم بر کشورهای اسلامی است» و تا هنگامی که جامعه بر این انتقادناپذیری اصرار داشته باشد جامعه اسلامی راه به جایی نخواهد برد، در حالی که با مرور دوران گذشته متوجه نقدپذیری اسلام و آموزه های آن می شویم و آن نقطه عطف، تأکید قرآن بر تعقل

جامعه‌شناسی تاریخی \_\_\_\_\_ دوره ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

است (ابوزید، ۱۳۸۳، صص. ۲۲-۲۵). این بحران سرتاسری جهان اسلام، بر جایگاه زنان و مباحثی که در حول محور آن، در کشورهای اسلامی به وجود آمده، اثرگذار بوده است.

ابوزید در مقدمه کتاب *دوائر الخوف* (دایره‌های ترس) بیان می‌کند که او به دنبال پرداختن به مسائل زنان در جامعه اسلامی و تحلیل این مباحث از زاویه‌ای متفاوت است و در ادامه می‌افزاید «برانگیختن پرسش و طرح مسئله به منظور تشویق خواننده به یافتن پاسخ، هدف نهایی کتاب است» و قصد ارائه راهکاری در این موضوع ندارد (ابوزید، ۱۳۹۷، ص. ۲۲). گرچه در پایان مباحث، ابوزید این ادعا را نادیده می‌گیرد و با عبور از آسیب‌شناسی صرف راهکاری برای برون‌رفت از «دایره‌های ترس» ارائه می‌دهد.

با این وصف، در پژوهش حاضر به دنبال آنیم که خاستگاه و مؤلفه‌های گفتمانی صورت‌بندی و تفسیر نصر حامد ابوزید از «مسئله زن مسلمان عرب» و راهکار وی برای حل این مسئله در چارچوب فرهنگ معاصر جهان عرب را بررسی کنیم. به نظر می‌رسد ابوزید با استفاده از شاخصه‌های فکری نومعتزله چون عقل‌گرایی و انسان‌گرایی به بازتفسیر متن مقدس، قرآن می‌پردازد و بر آن است که قوانین مدنی اسلامی مطابق با مبانی سکولاریسم می‌تواند به بهبود وضعیت زنان مسلمان کمک کند تا از بحران گذر کند.

### مؤلفه‌های منظومه فکری ابوزید

ابوزید از معدود متفکران مسلمانی است که در سپهر علوم اسلامی و طبقات دانشی و عرصه‌های مختلف چون عرفان، کلام، فقه، تفسیر و تاریخ قلم زده است. آثار او مشتمل بر دوازده کتاب و بیش از هفتاد مقاله در ساحت‌های متفاوتی است. (علوی‌نژاد، ۱۳۷۹،

رهیافت جامعه‌شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن... \_\_\_\_\_ فاطمه جان‌احمدی و همکاران  
ص. ۱۷۸)، اما حوزه مطالعاتی وی را در ذیل سه عنوان مطالعات فلسفی، مطالعات  
سیاسی به‌طور عام و مطالعات ادبی می‌توان تقسیم‌بندی کرد (نوذری، ۱۳۹۳، ص. ۲۹۰)  
و در این راه از علمی چون تاریخ، زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی بهره گرفته است.  
ابوزید این علوم را چون ابزاری برای پیش‌برد مباحث خود و مستند کردن ادعاهایش  
به‌کار گرفته است. به همین دلیل فهم آثار او سهل و ممتنع است و نشان از چندوجهی  
بودن مطالعات اوست. ابوزید برخلاف آنچه عده‌ای به وی نسبت داده‌اند در پی گذار از  
اسلام و نفی آموزه‌های آن نیست (ابوزید، ۱۳۸۳، ص. ۲۵)، بلکه بر آن است سنت و  
میراث اسلامی به‌منزله مقوله‌ای غیرقابل چشم‌پوشی است که با روش‌ها و تکنیک‌های  
جدید می‌توان به غایت آن دست یافت. این بهره‌مندی در گرو زدودن سنت از آنچه  
نامتناسب با شرایط و زمانه مفسر و همچنین برگرفتن آموزه‌های مثبت میراث اسلامی و  
روزآمد و کارآمد کردن آن‌هاست (ابوزید، ۱۳۸۰، ص. ۱۶). برای فهم اندیشه ابوزید  
نخست باید الگوی معرفت‌شناسی و مبانی اندیشه او را شناخت که در ادامه به اهم آن  
اشاره می‌شود.

نخست، اندیشه ابوزید حول محور عقل‌گرایی است و اهمی که او در این حوزه  
دارد باعث شده که وی در زمره نومعتزلی‌ها قرار گیرد. وی با اتکا بر عقل‌گرایی و  
سکولاریسم منبعث از آن، در پی آن است تا میان مدرنیته و اسلام سازگاری ایجاد کند.  
البته ابوزید اسلام را با عقل‌گرایی در تضاد نمی‌داند، بلکه آن را دینی عقل‌گرا می‌شناسد  
که در قرآن مکرر بر اعتبار عقل و خرد و قوه تشخیص آن تأکید شده است (ابوزید،  
۱۹۹۹، ص. ۷۸).

دومین مبناى اندیشه ابوزید، بازخوانی و بازتفسیر متن مقدس مسلمانان، قرآن، با  
بهره‌گیری از روش‌های نوین علمی است. وی متأثر از هرمنوتیک گادامر بر آن است که

میان متن و خواننده گفت‌وگویی برقرار است. خواننده با قابلیت‌های علمی خود وظیفه به سخن درآوردن متن و تأویل آن را دارد، بنابراین فهم عینی مطلق از متن وجود ندارد، بلکه ما با فهم نسبی فرهنگی زمان‌مند و مکان‌مند مواجه‌ایم (عرب صالحی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۶). بدین ترتیب ابوزید الفاظ قرآن را ثابت می‌داند، اما معانی را بسته به زمان و مکان متغیر معرفی می‌کند، بنابراین وی خواستار بازنگری در فهم و تفسیر پیشینیان از متن مقدس است. بر این اساس او در آثار خود به نقد تفاسیر و آثار کلاسیکی می‌پردازد که به‌منزله متون دینی مقدس درجه دو (تفاسیر و کتب حدیث) محل رجوع است. هرچند او در تلاش است تا در این مسیر به دام افراط و تفریط نیفتد و آثاری را که از دید او، تفسیری مترقی نسبت به بافت خود ارائه می‌دهند ارج می‌نهد و به نقاط قوت آن‌ها می‌پردازد (ابوزید، ۱۳۹۷: ۳۶-۳۸، ۵۹-۶۳).

سومین نکته این است که او در مباحث مربوط به زبان‌شناسی متأثر از سوسور است. او قرآن را متن می‌داند که همانند دیگر متون دینی متنی زبانی است و زبان هم متأثر از بستر فرهنگی خود است. قرآن به‌منزله یک متن محوری رابطه دیالکتیکی با بافت دارد و متأثر از بستر فرهنگی خود و مؤثر بر آن است. این تأثیر و تأثر بیش از هر چیز در تفسیرهای متن مقدس خود را نشان می‌دهد؛ بنابراین ابوزید یک گام به جلو می‌رود و با مطرح کردن دو مفهوم معنا و متن خواهان آن است تا برای فهم آنچه قرآن در پی بیان آن است بین معنا و فحوای آن تفاوت قائل شویم. وی درک معنا را درگرو شناخت زبانی - متنی و بافت فرهنگی - اجتماعی نزول قرآن می‌داند که ثبات نسبی دارد، اما فحوا که در ارتباط با معناست، فراعصری است که با توجه به تغییر افق قرائت تغییر می‌کند و در نتیجه پویاست (ابوزید، ۱۹۹۲، ص. ۵۶، ۳۰۳). این تفاوت میان معنا و فحوا



رهیافت جامعه‌شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن... \_\_\_\_\_ فاطمه جان‌احمدی و همکاران  
هنگام بررسی دلالت‌های تاریخی عصر نزول در دوران تفسیر یاری‌گر پژوهشگر خواهد  
بود (ابوزید، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۹).

وی در مطالعات ادبی و رویکرد زبان‌شناختی‌اش در تفسیر متن مقدس اسلامی بیش  
از همه متأثر از مکتب تفسیر ادبی امین خولی<sup>۱</sup> است. ابوزید گرچه به‌طور مستقیم در  
محضر خولی شاگردی نکرده اما در مکتب او قلم‌زده و خودش اذعان داشته رهیافت  
ادبی خولی را در پژوهش‌هایش اتخاذ کرده است (ابوزید، ۱۳۸۰، ص. ۱۵).

در آخر ابوزید با تبدیل مباحث کلان به مباحث خرد و تحویل آنها از حوزه شریعت  
و گستره حلال و حرام به مسائل اجتماعی و اتخاذ رویکرد جامعه‌شناسی به مطالعه  
مسائل جهان اسلام می‌پردازد که زن از موضوعات محوری است که او به این سیاق در  
پی پاسخگویی به مباحث شکل گرفته حول آن برآمده است. ابوزید در اتخاذ این  
رویکرد نیز به مبانی دینی خود پایبند است، وی به تجربه مدینه النبی و رهبری پیامبر  
اشاره کرده و بیان می‌کند درست است که پیامبر به نکویی از عهده زعامت دینی و  
هم‌زمان رهبری سیاسی جامعه برآمده است اما در همان حین نیز میان این دو ساحت  
تفاوت قائل است. و آنچه که اکنون شاهد آن در جامعه هستیم انحراف از معیار و اصلی  
است که در طول تاریخ رخ داده و آن خلط میان رفتار و گفتار محمد بن عبدالله (ص)  
به‌منزله پیامبر و امیر جامعه است. چنین خلط و خطایی باعث شده که وضعیت زندگی  
و فرامین و قوانین متناسب با جامعه مدینه النبی هزار و چهار صد سال پیش معیار و  
میزان قانون‌گذاری برای تمام جوامع مسلمان در طول دوران‌ها باشد (ابوزید، ۱۹۹۹،  
ص. ۷۸).

بازتفسیری تازه از شخصیت زن مسلمان

ابوزید قائل بر آن است جامعه اسلامی جامعه‌ای بحران زده است و این بحران‌ها ابعاد مختلف با ریشه‌های درهم پیچیده دارد و بحران اصلی، بحران گفتمان دینی است که این بحران گفتمان دینی — که گفتمان غالب است — بر دیگر ابعاد بحران‌های جامعه اثر می‌گذارد. جایگاه و موقعیت زنان نیز چون دیگر اعضای جامعه متأثر از این بحران‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و دینی است. به همین دلیل ابوزید در *دوائر الخوف*، به جز دو یا سه سرفصل به سراغ متن مقدس و قرآن نمی‌رود؛ در دیگر آثار خود نیز برای تشریح روش و نگرش خود به‌منزله نمونه و شاهد مثال به این آیات ارجاع می‌دهد و هنگام این رجوع به متن، به نگاه مترقی متن مقدس نسبت به بافت اجتماعی خود در دوره نزول و دوران تفسیر و بازتفسیر و نهادسازی دینی اعتنا دارد (ابوزید، ۱۳۸۳، ص. ۱۶۹، ۳۰۴-۳۱۰؛ Abu Zaid, 2001) این امر تحت‌تأثیر دو عامل است نخست، ایده اصلی او درباره زنان، که وی زن و مباحث حول او را نه یک امر دینی، بلکه امری اجتماعی می‌داند، به همین دلیل در پرداختن به زیست اجتماعی زنان به نقد گفتمان دینی به‌طور مستقیم نمی‌پردازد و به اندیشمندان آن جبهه و نگرش آن‌ها به زن استناد نمی‌کند، هر چند آن‌ها را از مسببان این وضعیت اجتماعی می‌داند، بلکه به پیاده‌نظام‌های این گفتمان چون روزنامه‌نگاران، نمایندگان مجلس یا استادان دانشگاه و قضات که متأثر از آثار و نوع نگاه دین‌باوران بنیادگرا هستند می‌پردازد. این شیوه پرداخت آگاهانه و منطبق بر خط فکری او و طرز تلقی او از مسئله زن به‌منزله مسئله‌ای اجتماعی است. وی بر آن است که این افراد درجه‌چندم به‌مانند پروپاگاندا و ابزاری برای گفتمان دینی هستند و با پرداختن به آرای این افراد، از افتادن به دام مباحث فنی فقهی اجتناب می‌کند و هم آثار این نوع تصمیمات را در تشدید فشارهای روانی و اجتماعی و اقتصادی و... بر روی زنان را خاطر نشان سازد. برای همین در رد حکم

رہیافت جامعہ شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن... \_\_\_\_\_ فاطمه جان احمدی و همکاران  
قاضی به احساسات زنانی که حکمی علیه آنها صادر شده است اشاره می‌کند یا به  
سودمندی یک زن به منزله انسان دانشمند یا اندیشمند در راستای اعتلای جامعہ اشاره  
می‌کند تا یک زن رام و آرامی که فقط وظیفه فرزندآوری و فرزندپروری را به عهده  
دارد.

دوم اینکه مباحث به وجود آمده در اسلام بیش از آنکه تحت تأثیر قرآن باشد متأثر از  
تفسیر و نهادهایی است که در حول محور متن مقدس شکل گرفته و برای زنان جایگاه  
فرو دست تعریف کرده‌اند. ابوزید بر آن است که نگاه قرآن به زنان در نسبت و قیاس با  
جامعه نزول متن و پیشاپامبر و پساپامبر مترقی است و آنچه نباید آن را از ذهن دور  
داشت نگاه اصلاحی قرآن و دین اسلام به مسائل و مباحث موجود در بافت اجتماعی  
است و آنچه که گم شده مسلمانان است این نگاه اصلاح گام به گام و تدریجی اسلام  
است که با فوت پیامبر پایان نمی‌یابد و بر عهده نبی باطنی یا همان عقل است که این  
روند را تا رسیدن به کمال شأن انسانی و اسلامی همه انسان‌ها ادامه دهد.

ابوزید به منزله اندیشمندی مسلمان که دغدغه اصلاح اجتماعی دارد و در پی اعتلای  
جامعه اسلامی است به تبیین این مسئله و ارائه راه حل برمی‌آید. در این رابطه وی  
معتقد است که بحث از زنان در جامعه اسلامی به قهقرا رفته است و نخست باید این  
مبحث را به مسیر خود بازگردانیم. بدین منظور وی دو راه را در پیش می‌گیرد: نخست  
در پی آن است که نسبت متن مقدس با مسئله زنان را نشان دهد و در این ساحت  
ابوزید به طرح یک پرسش ناپرسیده شده می‌پردازد دال بر آنکه آیا اساساً زن برای متن  
مقدس مسئله هست یا نه؟ پاسخ ابوزید به این پرسش منفی است البته باید توجه داشت  
او این مسئله را دلیل بر بی‌اعتباری زن در متن نمی‌داند، بلکه آن را ناشی از اعتبار

یکسان زن و مرد در قرآن قلمداد می‌کند. نکته دیگری که ابوزید به آن پرداخته است تحلیل احکام فقهی ویژه زنان و آیات مبنای صدور احکام است.

ابوزید متن قرآن و آموزه‌های آن را تاریخ‌مند می‌داند، چراکه آورنده آن انسان (اینجا منظور پیامبر است) است که فهم نسبی و متغیر خود را از نص با معنای ثابت، ارائه کرده است (ابوزید، ۱۳۸۳، ص. ۱۵۵). «تاریخ‌مندی متون همیشه به معنای زمان‌مندی نیست بلکه یعنی ما برای فهم عمیق سطوح معنایی و چشم‌اندازهای مفهومی قرآن، ناگزیر از بازخوانی بافت تاریخی نزول آن هستیم» (ابوزید، ۱۳۹۷، ص. ۱۹). در نتیجه ما با متنی فرهنگی و تاریخی که محصول تعامل با واقعیت زنده تاریخی است مواجه هستیم (ابوزید، ۱۳۸۰، ص. ۱۴۵) و این دیالوگ متن مقدس و جامعه است که به رابطه دیالکتیکی منجر شده، در نتیجه طبیعی است که با به‌وجود آمدن شرایط جدید، گفت‌وگوی نویی شکل گیرد که با گذر زمان، اجزای تاریخی به یک شاهد تاریخی تبدیل شود مانند آنچه که برای آیات مربوط به زنان، بردگی یا رابطه مسلمانان با دیگران و حکم جزیه رخ داده است (ابوزید، ۱۳۸۳، صص. ۲۸۶-۳۰۹). اسباب نزول از مهم‌ترین علوم است که این رابطه دیالکتیک را نشان می‌دهد و هدف آن ثبت وقایع تاریخی نیست، بلکه در پی آن است که فهم متن قرآن را آسان‌تر کند (ابوزید، ۱۳۸۰، ص. ۱۷۹)، چرا که دانستن سبب شناخت مسبب را در پی دارد. این درحالی است که گفتمان دینی معاصر عمومیت لفظ را معتبر می‌داند نه خصوصیت سبب را (همان، ص. ۱۸۹).

#### مؤلفه‌های مسئله زن در رهیافت جامعه‌شناختی ابوزید

دسته‌بندی‌های مختلفی درباره آیات قرآن وجود دارد که در اینجا به فراخور بحث حاضر صرفاً به آیاتی که به نحوی به زنان مربوط است می‌پردازیم. آیات مربوط به زنان

رہیافت جامعہ شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن... \_\_\_\_\_ فاطمه جان احمدی و همکاران

در قرآن را می‌توان بدین‌گونه دسته‌بندی کرد: نخست آیاتی که برای عموم انسان‌ها در همه اعصار و با در نظر گرفتن همه تفاوت‌ها نازل شده است، دسته دوم آیاتی که ویژه زنان است که در دو عنوان می‌توان به آن‌ها پرداخت: ۱. آیات مربوط به امور دینی مانند ثواب و عقاب، طاعات و عبادات، ۲. آیاتی که مربوط به حوزه دنیوی است که شکل قانون‌گذارانه دارد و در ارتباط با موضوع خاصی چون ازدواج، ارث و... است. آیات قانون‌گذارانه آیاتی است که در دوره مدرن محل مناقشه بین اندیشمندان بوده و هر کدام بسته به نظرگاه خود بدان پرداخته‌اند از سنت‌گرایی چون مودودی تا فمینیسم اسلامی و قرائت‌های جنسیتی که از قرآن ارائه می‌شود مانند آمنه ودود. ابوزید در میانه این دو سر طیف قرار دارد. با در نظر داشتن این تقسیم‌بندی و با رجوع به نظرات ابوزید می‌توان چنین نتیجه گرفت که وقتی وی مدعی است عدالت در قرآن یک اصل است، آیاتی را که در جزء نخست قرار دارد در نظر گرفته و دسته اول جزء دوم که از نظر اخلاقی و اعتقادی زنان را مورد توجه قرار داده است و فرقی بین دو جنس نیست. اما آیات قانون‌گذارانه که متوجه زیست زنان و حدود تعامل با دیگر اعضای جامعه را مشخص می‌کند، آیاتی است که مورد توجه ابوزید قرار گرفته است. وی در تحلیل خود با بهره‌گیری از تاریخ‌مندی متون، هرمنوتیک و دیگر ابزارها، نسبت متن و مسئله زن را مشخص می‌کند. در ادامه به یافته‌های او درباره این تقسیم‌بندی از آیات پرداخته می‌شود.

ابوزید متأثر از معتزله قدیم، عدالت را مفهوم کلیدی برای آموزه‌های اسلامی می‌داند و آن را از اصول اسلام معرفی می‌کند. آیات محوری در رابطه با زنان برای ابوزید، آیات مربوط به چند همسری و ارث است (Abu Zaid, 2001) و بر آن است که آیاتی با این موضوعات، به ظاهر عدالت قرآنی و ایدئال را به زیر پا گذاشته‌اند. در اینجا از قید

«به‌ظاهر» استفاده شده است، زیرا ابوزید در ادامه ثابت می‌کند که قرآن با تکیه بر این اصل، به اعتلای حقوق زنان همت گمارده است. از مفاهیم اصلی در قرآن، به‌ویژه در ربط با مفهوم عدالت، حقوق انسانی است که قرآن تمامی انسان‌ها را با هر ممیزه‌ای چون رنگ و نژاد و جنسیت، با هم برابر می‌داند (ibid).

مطابق اسناد تاریخی تعدد زوجات یا چندهمسری از شیوه‌های رایج ازدواج در عصر جاهلی است که قرآن در راستای قانون‌مند کردن ازدواج و محدود کردن انواع آن، به این نوع ازدواج رسمیت بخشید (لیلا احمد، ۱۳۹۶، ص. ۶۵) تا با تعیین چهار همسر، با افسارگسیختگی این نوع ازدواج مقابله کند. در نتیجه اسلام هیچ پدیده اجتماعی جدیدی را تجویز نکرده است و از چندهمسری برای مشکلاتی که جامعه اسلامی بعد از جنگ احد با آن مواجه شده، بهره گرفته است. ابوزید سبب نزول این آیه را یتیمان و زنان بیوه‌ای می‌داند که نیاز به سرپرست دارند نه کامجویی‌های مردانه، چراکه قرآن در ادامه این آیات، شرط رعایت عدل را متذکر می‌شود و تک‌همسری را تبلیغ می‌کند (Abu Zaid, 2001) و با توجه به رویکرد قرآن به مسائل اجتماعی، مطلوب قرآن و دین اسلام تک‌همسری است که جامعه کنونی باید آن را ترویج و تنها صورت قانونی ازدواج تعیین کند.

دربارۀ حق ارث زنان، متن مقدس موضع خود را آشکار بیان کرده و حد ارث‌بری زن را مشخص کرده است. ابوزید در این مورد با آرای مفسران سنتی قرآن موافق است. اما وی با تکیه بر علوم جدید در پی برجسته کردن آن چیزی است که ناگفته و نهفته مانده است. ابوزید در باب این ناگفته‌های قرآن بیان می‌کند که آن‌ها برگرفته از بافت بیرونی متن هستند. در این بافت به زنان اعتنایی نمی‌شود و اگر توجهی دریافت می‌کند وابسته به ارتباط با مردی است که به‌وسیله آن در جامعه هویت پیدا کرده است، اعم از

رہیافت جامعه‌شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن... \_\_\_\_\_ فاطمه جان‌احمدی و همکاران  
پدر، برادر، همسر یا از طریق پسر. اما دلیل عدم تعلق ارث در این جامعه، عدم دخالت  
زن در تولید ثروت است (ابوزید، ۱۳۸۳، صص. ۳۰۶-۳۰۷) و نکته نهفته متن سبک  
قرآن در صورت‌بندی یک نظم جدید اجتماعی است که اتفاقاً نشان از نگاه مترقی قرآن  
به زن در جامعه آن عصر دارد.

دانسته است که قرآن آموزه‌های خود را بر عقلانیت، عدالت و حریت بنا کرده  
است، اما با در نظر داشتن بافتی که متن در آن منتشر می‌شود به تغییرات گام به گام روی  
می‌آورد تا با حرکت‌های اعتراضی سخت مواجه نشود؛ که حق ارث زنان یکی از این  
مسائل است. در جامعه‌ای که زنان هیچ حقی برای ارث نداشتند، قرآن برای آن‌ها حد  
ارث مشخص می‌کند. ابوزید معتقد است آیه یازده سوره نسا را با توجه به مطالب بالا،  
می‌توان به دو شکل تفسیر کرد، نخست اینکه، کسانی که با ارث بری زنان مخالفاند  
موضع آن‌ها به دلیل بافت بیرونی متن است که زنان را فاقد فایده می‌داند. در تفسیر دوم  
می‌توان به دلالت نهفته و درون‌متنی قرآن تکیه کرد و بر این مبنا خداوند در پی تقسیم و  
گردش ثروت و عدم تمرکز دارایی‌ها در دستان عده‌ای خاص است (ابوزید، ۱۳۸۳،  
صص. ۳۰۸-۳۰۹).

ابوزید در آثار خود اهتمام چندانی به موضوع پوشش یا حجاب ندارد. وی در کتاب  
*دوائر الخوف* از پرداختن هردو جریان سنت‌گرا و نوگرا تا این اندازه به حجاب اظهار  
تعجب می‌کند. وی دلیل مسئله شدن حجاب را تحت‌تأثیر «رشد جریان‌های سیاسی با  
شعارهای اسلامی» می‌داند، مانند انقلاب ایران، اعتراض به حکم دادگاه فرانسوی مبنی بر  
ممنوعیت حجاب در مدارس فرانسه، تجاوز به زنان مسلمان در طی جنگ‌های داخلی  
بوسنی (ابوزید، ۱۳۹۷، صص. ۲۰۱-۲۰۲). البته که ابوزید نگاه موافق به حجاب ندارد،  
به‌خصوص در برابر آنچه با چادر مشکی به نمایش گذاشته می‌شود، برای نمونه ابوزید

در کتاب چنین گفت / ابن عربی چهره اسلام در بین غربی‌ها را چنین توصیف می‌کند: «چهره دروغین اسلام در غرب ... چهره مردی است تروریست با تفنگ و کارد در دست، پهلو به پهلو چهره زنی چادری، پوشیده در حجاب و نقاب» (ابوزید، ۱۳۹۴، ص. ۴۱) یا هنگام صحبت از تبعیضی که گفتمان دینی به زنان تحمیل می‌کند به حجاب نیز اشاره می‌کند:

زن به موجود شهوت‌برانگیز، تحریک‌کننده غریزه، فتنه‌انگیز و دام شیطان تبدیل می‌شود و به رسم عرب‌های بدوی دوره جاهلی، (زن‌ده‌گور کردن) به تنها راه حل تبدیل می‌شود، اما این زن‌ده‌گور کردن داخل لباس سیاهی است که جز دو سوراخ برای چشم، کاملاً بسته است (ابوزید، ۱۳۹۷، ص. ۴۱)

و هنگام نقد آرای بنت‌الشاطی درباره حجاب می‌گوید: «ما گمان می‌کنیم به دلیل منسوخ شدن نظام برده‌داری و کنیزداری، علت تشریح آیات حجاب در دنیای کنونی منتفی است. دیگر دلیلی وجود ندارد که لباس و پوشش معین و خاصی به زنان آزاد منحصر شود» (ابوزید، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۹).

از این اشارات کوتاه درباره حجاب چنین می‌توان نتیجه گرفت که حجاب برای زن مسلمان یا جامعه اسلامی مسئله نیست و به‌مانند نماز و دیگر اعمال عبادی است. حجاب هنگامی تبدیل به مسئله می‌شود که جامعه به شکل افراطی بر آن اصرار کند تا جایی که زن را چون عورت ببیند و در نتیجه زنان از فعالیت در جوامع مختلط منع - شوند که این آغاز انزوا و در نتیجه جهل زنان خواهد شد. نکته دیگری که ابوزید دل - نگران آن است چهره بین‌المللی اسلام و آن درجه از حجاب است که مایه وهن اسلام می‌شود. تصویری که بیشتر نماینده اسلام بنیادگراست نه اسلام واقعی. از طرف دیگر، ابوزید آیات مربوط به حجاب را نیز با تکیه بر تاریخ‌مندی متون بررسی می‌کند و آن را آیاتی می‌داند که براساس بافت نازل شده است و دیگر نیاز به تأکید و اجرایی کردن آن



رہیافت جامعہ شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن... \_\_\_\_\_ فاطمه جان احمدی و همکاران نیست، اما اگر کسی اصرار بر اجرایی کردن آن دارد حدودش آن چیزی است که در قرآن بیان شده است و این حدود متفاوت با پوشش سلفی هاست.

از دیگر مباحثی که ابوزید به آن‌ها پرداخته، قوامیت و طلاق است که ابوزید با بهره‌گیری از تاریخ‌مندی متون به سراغ آن‌ها رفته و تحلیل خود را ارائه کرده است. ابوزید معتقد است که طلاق مسئله‌ای مدنی است چراکه در هیچ جای متن مقدس به چگونگی طلاق اشاره نشده است، اما به دلیل اینکه قاضی این کار را انجام می‌دهد، به حوزه دین انتقال داده‌اند. نمونه قانون مدنی تونس در رابطه با طلاق، یک الگوی مناسب برای جوامع اسلامی است که در آن زن و مرد هر دو به یک اندازه برای اعلام اتمام زندگی مشترک حق دارند (ابوزید، ۱۳۹۷، ص. ۲۶۲).

در مورد قوامیت که بر مسئله طلاق و ارث نیز اثرگذار است می‌گوید:

قوامیت مانند چندهمسری و حکم مقاربت با ملک‌الیمین بیانگر وضعیت تاریخی در ارتباط با مرد و زن است که تجربه انسان و تحول جوامع بشری از آن عبور کرده است. زندگی انسان از زاویه ارتباط زن و مرد بر پایه هم‌سنگی و برابری استوار شده و تقسیم کار به یک قاعده اصلی ساماندهی زندگی تبدیل شده است ... در جریان این تحول، قوامیت به مسئله مشترک زن و مرد تبدیل می‌شود. قوامیت نوعی تقسیم تخصص میان زن و مرد است، لذا در برخی امور قوامیت با مرد است و در برخی دیگر با زن (ابوزید، ۱۳۹۷، ص. ۲۶۳).

به‌طور کلی ابوزید بر آن است فهم قرآن و نگاه متعالی اسلام درگرو فهم بافت جامعه جاهلی است و اتخاذ رویکرد قرآن در حل مسائل، به همین دلیل وی معتقد است که دوره پرداختن به برخی آیات باتوجه به شرایط روز منقضی شده است و بر آن است باید تفسیر جدیدی از متن ارائه شود که مطابق با مقاصد کلی متن باشد، مقاصد کلی چون عدالت، عقلانیت و حریت. از نظر ابوزید اصرار بر تفاسیر گذشته باعث می-

شود که نه تنها جامعه اسلامی از مسیر رشد و اعتلای خود باز بماند، بلکه به منزله جامعه‌ای بدوی با ویژگی‌های ضدتمدنی شناخته شود.

### اسطوره‌زدایی از ساحت انسانی زن و تبدیل آن به سوژه اجتماعی

ابوزید در پی آن است که ساحت انسانی زن را به او بازگرداند و نیک دریافته است که نگاه فرازمینی به زن چه در جهت خیر و مثبت آن و چه در جهت شر و منفی آن، خیانت به زن و شأن انسانی اوست و پنبه کردن رشته‌هایی است که ادیان و هر جریان نواندیش برای آزادی نوع انسان و زنان کرده‌اند. وی به اسطوره آفرینش و جایگاه حوا در این روایت می‌پردازد و در ادامه نیز به نقد برساخته‌ای چون تقدس مادری و رنج زن بودن. در نگاه ابوزید اسطوره آفرینش نمود خواست و امیال جامعه است که جامعه بحرانی دینی گاه چون ابزاری برای کنترل زنان و حفظ هژمونی گفتمان دینی و فرادستی مردان دین بدان متمسک می‌شود و گاه باز روایت آن تمام دستاوردهای ادیان و جریان‌های نواندیش برای آزادی نوع انسان و دفاع از جایگاه زنان را از بین برد، در نتیجه به نقد اسطوره آفرینش با نقش محوری حوا در اغوای آدم و همچنین تقدس شأن مادری و رنج‌های مربوط به آن می‌پردازد.

در نگاه ابوزید داستان آفرینشی که در میان مسلمانان رواج دارد متأثر از اسرائیلیاتی است که در همان سال‌های نخستین اسلام وارد روایت‌های مسلمانان شد و به زودی نه رقیب روایت قرآنی، که جانشین آن شد و روایت متن مقدس اسلام را به حاشیه راند. این روایت وارداتی جزئی از متون رسمی شد و ملاک عمل فقها و مجتهدان قرار گرفت. روایتی که براساس آن حوا، زن این ماجرا، عامل گناه نخستین است و خداوند برای تنبیه او رنج‌هایی چون زایمان و درد ماهیانه حیض را تا ابد بر وی و هم‌جنس‌هایش تحمیل می‌کند، حوایی که از همان آغاز، جنس دوم در خلقت است. اما

رہیافت جامعہ شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن... \_\_\_\_\_ فاطمه جان احمدی و همکاران ابوزید این روایت را کنار روایت متن مقدس اسلام، قرآن، قرار می‌دهد و بیان می‌کند که در متن مقدس مسلمانان (قرآن)، زنان نه تنها مسئول این گناه یا خطای نخستین نیستند، بلکه با اشاره به آیاتی از قرآن، مسئولیت این امر را به‌طور مستقیم متوجه آدم می‌داند و در آیاتی به هر دو آن‌ها نسبت می‌دهد (ابوزید، ۱۳۹۷، ص. ۵۰) و به این نکته اشاره می‌کند که اساساً روایت قرآن با روایت کتاب مقدس یهودیان متفاوت است. یا به بیان بهتر این دو روایت متون مقدس در برابر هم قرار دارند. ابوزید معتقد است که پذیرش این روایت منکر علم و عدالت خداوند است، چراکه خداوند در توطئه شیطان، مار و سپس حوا گرفتار می‌آید و هم از حیث مجازات که شامل تمام هم‌جنس‌های حوا در طول تاریخ با درد ماهیانه حیض و درد بارداری است. تعیین این مجازات که متوجه تمامی نسل‌های زنان است به دور از عدالت است (ابوزید، ۱۳۹۷، صص. ۲۳-۲۹).

ابوزید استدلال می‌کند که با اعطای نقش نیک و پاک به آدم و قدرت افسونگری و فتانگی به حوا، داستان در واقع نمایی از نگاه جامعه به زن و مرد را نمایش می‌دهد و با بازروایی این روایت، مجوز بازتولید این نوع نگرش را به جامعه اعطا می‌کند (ابوزید، ۱۳۹۷، صص. ۲۵-۲۸).

ابوزید برای دستیابی به انگاره زن در جامعه اسلامی به نقد روایت‌ها و احادیثی که در جامعه رواج دارد، کفایت نمی‌کند و به سراغ عرفان نیز می‌رود. او در پی آن است تا دریابد عرفان به‌منزله علمی که به‌زعم بسیاری از متخصصان در چارچوب باید‌ها و نبایدهای فقه و عرف نمی‌گنجد و غالب می‌شکند چه انگاشته‌ای از زن را به نمایش می‌گذارد، به همین دلیل به غور و بررسی در آرای محی‌الدین محمد بن علی بن محمد بن عربی طایبی حاتمی، شیخ اکبر تصوف و عرفان، می‌پردازد. باوجود آنکه ابن‌عربی

نسبت به معاصران خود درباره زنان، نگاه انسان‌گراتری داشته است و حتی امامت را برای زنان مجاز می‌داند، اما وی نیز نتوانسته از این جمله که «زن در عقل و دین ناقص است» بگذرد و زن را ناقص و ناکافی می‌داند و اقدام به توجیه چنین انگاره‌ها و تصورات می‌کند. در قالب جمله‌ای معترضه لازم به یادآوری است که ابن‌عربی در جامعه اندلسی و مالکی مذهب زیسته است که نگاه روادارانه‌ای نسبت به زنان دارد و زنان در این فقه و آن جغرافیا کنشگر هستند. ابن‌عربی کمال زن را همان کمال مرد می‌داند، اما زن برای رسیدن به آن، نیازمند تلاش بیشتر است، مانند مریم مقدس که روزه خود را دو برابر مردان می‌گرفت تا با آن‌ها برابر باشد. ابن‌عربی وجود انسان را ترکیب نرینه و مادینه می‌داند و معتقد است انسان باید تلاش کند تا نفسش که همان مادینگی اوست بر وی چیره نشود. «پس سزاوار است با نفسش همان کاری را کند که مریم کرد تا نفسش بر عقلش زنانگی‌اش بر مردانگی‌اش [ملحق و برابر گردد]» (ابوزید، ۱۳۹۴، ص. ۳۷۴، ۳۷۵).

ابوزید به هنگام تفسیر آرای ابن‌عربی می‌خواهد که از اسطوره عشق و حس مادری عبور کند هر چند که نگاه او به زن و این مقدار توجه او را به جنس مؤنث را ارج می‌نهد و بیان می‌کند با وجود اینکه متن ابن‌عربی حاکی از تجلیل زنانگی است و عشق به انسان (جنس مؤنث) را نخستین پله عشق به خداوند می‌داند، اما محوریت متن ابن‌عربی با مردان است. «حوا جزئی از آدم است و چون دلتنگی یک جزء، برای کلی که از آن دور شده است مشتاق اوست. آدم برای حوا، اصلی است که حوا مدام در حسرت بازگشت و پناه جستن به اوست» (ابوزید، ۱۳۹۷، ص. ۳۷). و در ادامه به زایش می‌پردازد که «زاد و ولد برپایه عنصر نرینه است نه تعامل واقعی بین جنس مذکر و مؤنث» که این الگو «از الگوی اولیه فرایند خلقت و خلقت حوا از آدم تغذیه می‌کند»

رہیافت جامعہ شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن... \_\_\_\_\_ فاطمه جان احمدی و همکاران (ابوزید، ۱۳۹۷، ص. ۳۸) و بیان می کند شکل گیری ارتباطی که مدنظر ابن عربی است باعث به وجود آمدن حوزه اقتداری برای مرد می شود که ماحصل آن به وجود آمدن گفتمانی «تبعیض گرا» است که زن حتی اگر مجاز و خواهان تلاش برای رسیدن به جایگاه انسانی است، باید خود را با مردان بسنجد و محور، جنس مذکر است (ابوزید، ۱۳۹۷، ص. ۳۸).

با ورود به دوران جدید نیز این نگاه به زنان با تقدس بخشیدن به قدرت باروری و وظیفه مادری به گونه ای دیگر سد راه زنان برای رسیدن به شأن انسانی شد. زنان وظیفه به دنیا آوردن نسل آینده (که البته اینجا منظور تنها جنس مذکر است) و تربیت دختران امروز به منزله مادران فردا را دارند. به همین دلیل مادر بودن مقدس می شود و در برابر آن حق فعالیت های اجتماعی و اقتصادی بیرون از منزل، توسط قانون یا عرف از زنان گرفته می شود (ابوزید، ۱۳۹۷، ص. ۷۹) و اگر زنی خارج از این چارچوب اقدام کند به آن ها نسبت های چون فاحشه و فاسق می دهند و زندگی اجتماعی را بر آن ها سخت می کنند (ابوزید، ۱۳۹۷، ص. ۸۷). این همان چیزی است که لیلا احمد نیز با عنوان ستم زنان بر هم جنسان خود مطرح می کند که زنان مسلمان آگاهانه یا ناآگاهانه با گفتمان حاکم همراه می شوند (احمد، ۱۳۹۶، ص. ۹۰) و زنانی را که به دنبال احقاق حقوق انسانی خود هستند نه تنها آن ها را یاری نمی رسانند، بلکه گاهی در برابر این زنان می ایستند.

ابوزید با مطرح کردن این سه برش از اعتقادات جامعه مسلمانان، در پی آن است یادآوری کند هر نوع تقدس یا تحقیر زنان که در روایت های اسلامی موجود است با کمک یا خواست دستگاه حاکم و گفتمان دینی غالب در ذیل آموزه های اسلام پرورانه شده است. این روایت ها از ابزارهای سرکوب یا کنترل زنان است و موجب شده زن از

انسانی کنشگر و صاحب حق به جنسیتی منفعل که جامعه اسلامی به گزاف مدعی است به او لطف و مرحمت داشته تبدیل شود. ابوزید با نگاه نقاد خود می‌خواهد مخاطب را با خود همراه کند تا از متون دینی درجه دو اما مرجع در جهان اسلام مانند کتاب‌های احادیث و غیره گذر کند و به نقد آن‌ها بپردازد، چراکه منبع و مرجع اصلی در جامعه اسلامی، قرآن، متن مقدس مسلمانان، است.

### سایه شریعت بر مسئله اجتماعی

ابوزید بر آن است که موضوع زنان اساساً امری اجتماعی است و نه دینی یا سیاسی. او برای پیش‌برد مباحث خود و تأیید این ادعایش پرسش مهمی را مطرح می‌کند: «چرا هنگامی که فضای اجتماعی و فکری دچار رکود و عقب‌ماندگی می‌شود وضعیت زنان تبدیل به مسئله اضطراری می‌شود؟» (ابوزید، ۱۳۹۷، ص. ۸۲).

وی برای پاسخ به این سؤال خود به‌طور مفصل به شرح اقدامات گفتمان دینی و سیاسی حاکم می‌پردازد: نخست اینکه طبقه دینی و سیاسی حاکم زنان را به‌بهانه مراقبت از آنچه در بیرون از خانه منتظر آسیب زدن به آن‌هاست، به پستوهای خانه هدایت می‌کنند، سپس با اعطای تقدس به جایگاه مادری و وظایف آن و برجسته کردن فواید فرزندآوری، شأنی فریبنده به او می‌دهند. اما آنچه در واقع رخ می‌دهد تعریف وظیفه جدید برای زنان هست، وظیفه زنان در گفتمان دینی، تربیت نسلی ناآگاه و مطیع برای این گفتمان و نظام حاکم هست (ابوزید، ۱۳۹۷، صص. ۷۹-۸۲). وی چنین استدلال می‌کند که خانه‌نشینی زنان باعث می‌شود که آن‌ها در جریان امور قرار نگیرند و زندگی در یک فضای ایزوله را تجربه کنند. آن‌ها اطلاعات خود را از رسانه‌های رسمی جامعه دریافت می‌کنند و در یک زندگی منفعلانه به مادری ناکارآمد برای تربیت فرزندان خود تبدیل می‌شوند که نسلی (هم دختر و هم پسر) را بدون آگاهی تربیت می‌کنند و با ورود

رہیافت جامعہ شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن... \_\_\_\_\_ فاطمه جان احمدی و همکاران  
این نسل جدید به جامعہ سرعت انحطاط جامعہ بیش از پیش خواهد شد (ابوزید، ۱۳۹۷،  
ص. ۷۹). این اتفاق برای گفتمان دینی و سیاسی صرفاً چندبارہ دارد، نخست اینکه  
توانستہ زن را دور از جامعہ نگاہ دارد و ذہن او را به گونه ای کہ می خواهد و صلاح  
می داند تغذیہ کند و دوم اینکه ہزینہ پرورش و تربیت آن را بہ ظاہر بہ نہاد خانوادہ، اما  
در عمل بہ مادر محول می کند و در پایان گفتمان سیاسی و دینی از دل این سیستم  
معیوب می تواند شہروندانی مطیع و سر بہ راہ تحویل بگیرد. اما گفتمان سیاسی و دینی  
حاکم این طرح را بہ صورتی بسیار ظریف پیش می برد کہ ہم خود را مدافع زنان و  
دلواپس کودکان معرفی کند و ہم بر مردان چنین چہرہ می نمایند کہ بہ رفاه مردان  
می اندیشد، و اینکه مسئولیت تربیت نسل جدید را از خود بردارد و از پیامدہای  
احتمالی آن تبرئہ شود. (ابوزید، ۱۳۹۷، صص. ۷۷-۷۸).

در نگاہ ابوزید زن دارای شأن انسانی است و مباحث مربوط بہ آن بہ مانند یک  
انسان — یعنی ہم تراز با یک مرد — باید مورد توجہ قرار گیرد و بدان پرداختہ شود.  
ابوزید قائل بہ تفاوت بیولوژیکی بین زن و مرد است، اما از نظر او این تفاوت بہ  
اندازہ ای نیست کہ ساحت انسانی زن را فراموش کند و بہ مانند یک «جنس» بہ مباحث  
مربوط بہ آن بپردازد. وی با جہہ گرفتن در برابر این مسئلہ یادآور می شود کہ این ظلم  
بہ زنان از طرفی ظلم بہ مردان نیز هست، چراکہ این دوگانہ انگاری جنسی و بہ ظاہر  
اعطای امتیازاتی چون حمایت از زنان بہ منزله جنس لطیف و مراقبت از آنان در منزل  
باعث می شود کہ مردان بہ تنہایی زیر فشار اقتصادی و اجتماعی باشند و برای ہمراہی  
با خانوادہ بہ منزله یکی از اعضای پایہ خانوادہ در نقش همسر و پدر قابلیت و کارایی  
نداشتہ باشند کہ این خود، مشکلات زنان را دوچندان می کند (ابوزید، ۱۳۹۷، صص.  
۷۸-۷۹).

ابوزید معتقد است مباحثی چون پوشش زن، برابری جنسیتی و تعلق این مباحث به متون دینی باعث می‌شود که نتوان بحث از زنان را از قالب حلال و حرام بیرون آورد و مباحث زنان حول پرسش‌های تکراری با قدمتی بالای چند صد سال در دور باطل قرار می‌گیرد. وی در این بخش از گفته‌های خود بین جریان تندرو اسلامی و جریان میانه‌رو تفاوتی قائل نمی‌شود و می‌گوید که هر دو این جریان از یک مبانی معرفت‌شناختی بهره می‌برند و با استناد به متن مقدس و مباحث تاریخی، تلاش می‌کنند ساحت اسلام را از ستم به زنان پاک کنند و هر آنچه را روی داده است به عاملان تاریخی چون امرا و پادشاهان نسبت دهند. این تلاش نه تفسیر متون بلکه توجیه آن است.

ابوزید با اشاره به گفته‌های قاسم امین یافته‌های طاهر حداد، بیان می‌کند که تنزل جایگاه زنان در جوامع اسلامی به سبب تحجر جوامع اسلامی است و علت‌العلل آن نه ناکارآمدی شریعت اسلامی بلکه استبداد و دیکتاتوری است که در این جوامع وجود دارد (ابوزید، ۱۳۹۷، ص. ۶۲) و سخن خود را چنین ادامه می‌دهد که «تئوکراسی نفرت‌انگیزترین نوع دیکتاتوری است چراکه مخالفت با این نوع دیکتاتوری به معنای الحاد، زندقه و اجرای حد ارتداد است» (همان، ص. ۷۰) او معتقد است که «تحقیر زنان روی دیگر سکه تحقیر انسان است. انسان تنها در جامعه‌ای تحقیر می‌شود که زمامداران آن ادعای حقوق ماوراء الطبیعی دارند» (همان، ص. ۷۰).

از دیگر موضوعاتی که مورد توجه ابوزید قرار گرفته است زبان عربی و تأثیر آن در جایگاه زنان در جامعه اسلامی است. البته گفتنی است که پیش از وی، عبدالله غدامی در کتاب *زن و زبان* به خوبی توانسته است این ایده را پیروانند. غدامی روند تبدیل زنان به منزله ابژه‌های داستان‌های عاشقانه و نهایت حکایتگران و حرافان بدون اثرگذاری به نویسندگانی را که خود سوژه و عامل هستند مورد بررسی قرار داده است و این حرکت



رہیافت جامعہ شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن... \_\_\_\_\_ فاطمه جان احمدی و همکاران را به مثابه پیکاری فرهنگی برای زنان عرب مسلمان می‌داند. (ر.ک: عبدالله غدامی) ابوزید بار دیگر به این نکته‌ها اشاره می‌کند زبان عربی زبانی بدون کلمه خشتی و کاملاً جنسیتی است که در آن هم مفاهیم جنسیتی است و هم ساختار نحوی آن، و غلبه کمی و کیفی با مردان است چه در شناسایی افعال و چه در اسامی. در این زبان، زنان غیر شناسخته می‌شوند که با بودن یک مرد در جمع آنها، هویتشان با آن مرد تعریف می‌شود و این چیزی است که در بافت دوره جاهلی که متن نازل شد نیز غالب است. بی‌توجهی به این نکته باعث خطای در تفاسیر و ارائه چهره‌ای مخدوش از زن مسلمان در قرآن شده است، زنی که هویتش با مرد همراه او تعریف می‌شود؛ دختر یا خواهر یا همسر یک مرد. البته به سبب تأثیرات دیرپای زبان و تغییراتی که به‌کندی در آن رخ می‌دهد تاکنون این روند ادامه دارد. هر چند با آگاهی از این امر و توجه بدان، می‌توان چون دیگر زبان‌هایی که به اصلاح زبان خود پرداخته‌اند، کسانی که به زبان عربی تکلم می‌کنند، به سمت اصلاح این نوع از اجحاف فرهنگی حرکت کنند (همان، ص. صص. ۳۳۳-۳۳۶)؛ اجحافی که از موانع حضور کنشگرانه و عاملانه زنان در جامعه مسلمانان است.

بدین ترتیب ابوزید مسئله زن را از فرم یک امر دینی خارج کرده و به امری اجتماعی که متأثر از شرایط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشورهای اسلامی است، تبدیل می‌کند. وی معتقد است که این نوع نگاه به زن — امر اجتماعی و انسانی — باعث ایجاد وحدت در جامعه — چه به صورت منطقه‌ای، ملی یا حتی جهانی — می‌شود (همان، ص. ۷۱) چرا که در بحث زنان و قوانین مربوط به آن، بین فرقه‌های مختلف اسلامی اختلاف وجود دارد و از طرفی قانونگذاران بسته به اینکه چه قرائتی از اسلام دارند فشار خود را بیشتر در حوزه زنان متمرکز می‌کنند و بدین ترتیب جامعه اسلامی در ظواهر بین‌المللی خود یک دین با بالاترین درجه تبعیض میان زن و مرد

معرفی می‌شود، درحالی که واقعیت چنین نیست و بدین ترتیب ابوزید راهکارهای خود را برای حل مسئله ارائه می‌دهد.

### اصول و راهبردهای ابوزید برای حل مسئله زن

ابوزید با پرداختن به مسئله زن و بحث از چالش‌های آنان در صفحات پایانی کتاب *دوائر الخوف*، راه حل خود را برای این چالش بیان می‌دارد. ابوزید راه نجات را از طریق سکولاریسم می‌داند، اما نه هر سکولاریسمی. در واقع او انتقاداتی را که به سکولارها نسبت داده می‌شود رد و بیان می‌کند این اتهامات یا از روی بدفهمی است یا از روی دشمنی. اما در نهایت سکولاریسم راه خود را پیدا خواهد کرد و هیچ منافاتی با اصول اسلام ندارد، چراکه سکولاریسم عبارت است از: «آزادی از سلطه تأویل‌های ظاهری از متون دینی» (همان، ص. ۲۷۵). ابوزید با زیرکی مخاطب را با خود همراه کرده و به ارائه نظرات خود پرداخته است. وی آگاه بر این است که اگر در ابتدا از واژه سکولار استفاده کند، با عقب‌نشینی یا جبهه‌گیری برخی از مخاطبانش مواجه خواهد شد، پس با بهره‌گیری از روش‌های منطقی به خرد کردن مسئله زنان و بررسی آن‌ها از نظرگاه‌های مختلف می‌پردازد و در این بین اجتهادات خود را نیز بیان می‌کند که این اجتهادات مطابق با اصول سکولاریسم است. در ادامه به این مسیر ابوزید پرداخته می‌شود.

### لزوم اتخاذ نگرش انسانی و پویا در قبال مسئله زن

ابوزید بر آن است که مسئله زن جدای از جامعه و مسائل آن نیست، و اعتلای هر کدام از این‌ها با اعتلای دیگری ربط مستقیم دارد. وی این ایده را هنگام صحبت از آموزش، حق فعالیت‌های اجتماعی و غیره توانسته به خوبی پیروانند (همان، صص. ۸۶-۷۶). او معتقد است که شرایط زنان و مشکلات مبتلابه کنونی آن‌ها، نه تحت‌تأثیر اسلام، بلکه

رہیافت جامعہ شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن... \_\_\_\_\_ فاطمه جان احمدی و همکاران  
محصول شرایطی است که مسلمانان معاصر در آن زیست می کنند. این جامعه بار  
تفسیر و تأویلات گذشته را با خود دارد که ملاک عمل متولیان کنونی جامعه است،  
میراثی که توسط فقیهان و مفتیان به آن رنگ تقدس زده شده است و همچنین مفاهیم  
وارداتی غربی که محصول تجربه مدرنیته و مدرنیزاسیون ناقص است. ترکیب این دو،  
شرایط را برای مسلمانان پیچیده کرده و این پیچیدگی برای زنان دوچندان است  
(ابوزید، ۱۳۹۷).

بدین ترتیب ابوزید طرح پیشنهادی خود را می چیند: وی نخست به نقد سنت  
می پردازد و معتقد است که این میراث محصول شرایط گذشته است و برای پاسخ به  
سؤالات زمانه خود طرح شده است و باید بین تفاسیر و اصل متن مقدس تفاوت قائل  
شد. اسلام با توجه به بافتی که در آن به وجود آمده است نگاه رو به جلویی دارد و سعی  
می کند تا به بهبود شرایط زیست نوع انسان اعم از زن و مرد کمک کند. البته ابوزید  
معتقد است که در جامعه مردسالاری همانند دوران جاهلیت، این بهبود شرایط و وضع  
قوانین به نفع زنان کار دشواری بوده است.

برای تبیین این بحث و فهم ساحت اندیشه ابوزید درباره این مسئله، می توان به  
مقایسه آرای فاطمه مرنیسی یا لیلا احمد و دیگر نومعتزلیان برجسته — که در حوزه  
زنان قلم زده اند — با ابوزید پرداخت، از این طریق دقت نظر و عمق نگاه و تحلیل  
ابوزید بهتر درک خواهد شد.

برای نمونه لیلا احمد هنگام بررسی دوران جاهلیت و سپس اقدامات اسلام در  
رابطه با زنان می گوید: اسلام اجحاف در حق زنان را تشدید کرد، درحالی که جایگاه  
زنان در مقایسه با دوران اسلامی رفیع تر و آزادی زنان بیشتر بود (احمد، ۱۳۹۶،  
صص ۵۹-۶۷). مرنیسی نیز در کتاب خود بیان می کند که سه بت اصلی حجاز، منات و

عزی و هبل زن بودند و این ترسی که از هیبت آن‌ها وجود داشت باعث شد که زنان در دوره اسلامی به اندرون رانده و با حجاب محدود شوند (Mernissi, 1992, p. 86)، اما آرای ابوزید در برابر این دو قرار می‌گیرد و بیان می‌کند باتوجه به بافت نزول آیات اسلام روندی را درپیش گرفته که به بهبود شرایط زنان کمک کرده است و این متون تفسیری هستند که با استیلاي جمود خود بر جامعه، اجازه نمی‌دهند این روند رو به بهبود به راه خود ادامه دهد (ابوزید، ۱۳۹۷، ص. ۸۶) و بدین ترتیب نه تنها اعتقاد به اسلام را منافی بهبود شرایط زنان نمی‌داند، بلکه آن را از پیشروان این حرکت معرفی می‌کند.

ابوزید علت دیگر را مدرنیته ناقصی می‌داند که در جهان اسلام وارد شده بدون آنکه به این اندیشیده شود که مدرنیته یک فرایند است و باید بسترهای فرهنگی و اجتماعی آن مهیا شود. این مدرنیته ناقص باعث شد که اسلام‌گرایان سنتی در برابر آن جبهه بگیرند و آن را به منزله یک مسلک مخالف اسلام و رقیب آن معرفی کنند. در حالی که ابوزید معتقد است که اسلام، سکولاریسم، مدرنیته، یا هر مسلک و مکتب فکری که درپی بهبود شرایط زیست انسان باشد و شأن انسانی را تکریم کند و بتواند دلایل خود را با عقل اثبات کند شایسته تکریم است و از روش آن می‌توان بهره برد و برای تعالی انسان از آن وام گرفت. اما مشکل از جایی شروع می‌شود که این مدرنیته و مدرنیاسیون ناقص اتفاق می‌افتد (همان، ص. ۲۲۳).

این نقص به دو دلیل است: نخست اینکه کسانی که از بیرون درپی انتقال مدرنیاسیون به جوامع اسلامی هستند بسیاری از حقوق انسانی جوامع جنوبی — که همان جوامع کم‌تر توسعه‌یافته است — را برای به‌دست آوردن منافع اقتصادی و سیاسی خود زیر پا می‌گذارند و درعین حال ادعای رعایت حقوق بشر و آزادی‌های انسانی

رہیافت جامعه‌شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن... ————— فاطمه جان‌احمدی و همکاران دارند. این دوگانگی — استعمار نمونه‌اعلای رفتار خودخواهانه غربی‌هاست — باعث جبهه‌گیری مسلمانان در برابر آن‌ها می‌شود. در داخل جوامع اسلامی هم حکومت‌های اسلامی به جز ترکیه ادعای سکولاریسم نکردند، چراکه جوامع اسلامی متشکل از قبایل و طوایفی بود که انتخاب سکولاریسم و همراهی با آن موجب تشدید این چنددستگی‌ها می‌شد (همان، ص. ۲۴۰).

ابوزید آسیب‌شناسی و راه‌حل پیشنهادی خود را با هم مطرح می‌کند. او تجربه مدرنیته را به‌طور کامل تأیید نمی‌کند و از طرفی به جمود حاکم بر متون دینی مسلمانان اعتقاد دارد. ابوزید بر آن است که ریشه مشکلات جامعه اسلامی تحت‌تأثیر این مسئله است که مسلمانان یا عاملان به اسلام اصرار دارند که همه امور را با قوانین اسلامی ۱۴۰۰ سال پیش اسلامی، به پیش ببرند و فاصله تاریخی و تحولات اجتماعی و الزامات عصر حاضر را نادیده گیرند. ابوزید در آثار خود پیوسته مطرح می‌کند که می‌توان با توسل به علوم جدید که در سایه مدرنیته رشد کرده است به سراغ قرآن و دیگر متون دینی رفت و با بهره‌مندی از عقل انسان، تفسیر و تأویلی مناسب و متناسب با شرایط روز ارائه کرد.

ابوزید نه‌فقط اسلام، بلکه همه ادیان را انسان‌گرا می‌داند و معتقد است: «همه ادیان از این حیث که خطاب به انسان هستند، دایر بر مدار انسان‌اند» (ابوزید، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۷) اما این انسان‌مداری مشروط است و ادیان بسته به اینکه در جمع دین‌باوران آن قرار داشته باشید یا نه، شما را تکریم می‌کنند در غیر این صورت شما از حقوقی برخوردار نیستید. اما این اصل در اسلام به‌منزله واپسین دین توحیدی متفاوت است. اسلام برای باورمندان دیگر ادیان توحیدی احترام قائل است و شرط احترام به اسلام و مراسمات آن را برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در جامعه اسلامی کافی می‌داند.

با مطرح کردن این نکته، ابوزید یک قدم رو به جلو حرکت کرده و بیان می‌کند که زنان به‌منزله یک جنس از فرزندان آدم را نمی‌توان از این خطاب الهی دور دانست یا ساحت انسانی آن‌ها را نفی کرد. اسلام در پی تکریم شأن انسانی است و این محدود به عبادات و مسائلی از این دست نمی‌شود، بلکه اسلام همه حقوق انسانی زنان را می‌خواهد اعاده کند، اما بستر و بافتی که اسلام در آن رشد کرده است مانع این مهم است. و درست از اینجا نقطه عزیمت مجتهد و مفتی معاصر شروع می‌شود تا با توسل به علوم جدید از قبیل هرمنوتیک و انسان‌شناسی و دیگر علوم به سراغ قرآن و متون مقدس اسلامی می‌رود و آن را برای عصر حاضر تفسیر کند.

#### وضع قوانین مدنی با نظر به حقوق انسانی زنان

شاید بتوان گفت که ابوزید راهکار اصلی خود برای گذر از بحران و حل مسئله زن را در فصل آخر از بخش آخر کتاب *دوائر الخوف* ارائه کرده و آن وضع قوانین مدنی است. وی برای تأیید این مدعای خود به قوانین مربوط به زنان و خانواده از مجموعه قوانین احوال شخصیه تونس، مصوبه سال ۱۹۵۷ میلادی و ملحقات قانون ۴۶ مصوب سال ۱۹۶۴ تمسک می‌جوید (همان، ص. ۲۵۱).

قوانین مدنی تونس در مورد زنان متمرکز بر ارتباط و تعاملات زنان با مردان است و در پی بهبود نقش اجتماعی و جایگاه اقتصادی زنان است. ابوزید به‌درستی به این مطلب اشاره کرده است که

به‌دلیل حساسیت زیاد این حوزه، قوانین و مقررات مربوط به آن، بیش از سایر حوزه‌ها شاخص حرکت در فرایند تحول اجتماعی را نشان می‌دهند. به این معنا که قوانین و مقررات مشخص‌کننده وضعیت و جایگاه زنان بیش از قوانین حوزه‌های دیگر، میزان تحقق حقوق بشر در جامعه موردنظر را نشان می‌دهند. این دقیق‌ترین

رہیافت جامعہ شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن... \_\_\_\_\_ فاطمه جان احمدی و همکاران  
و قابل اعتمادترین شاخص تشخیص میزان پیشرفت جامعه است. پس شعارها،  
شعرها، آهنگ‌ها و سرودها، جشن‌های روز مادر یا جشن خانوادگی، خطبہ سیاسی،  
دینی یا حزبی که برخی ممکن است موضع پیشرفته جزئی را اینجا و آنجا نشان  
دهند اصلاً ملاک نیستند (همان، ص. ۲۵۲).

این جمله کنایه‌ای است به سران کشورهای مسلمان که داعیۀ مسلمانی دارند؛ اینکه  
اسلام از نظر اخلاقی و کلامی مراعات حقوق برابر هر دو جنس را داشته است؛ اما  
عاملان به اسلام — که شامل فقها و حاکمان هستند — چه اندازه توانستند این مساوات  
را در قوانین قضائی رعایت و آن را اجرایی کنند (Abu Zaid, 2001). نکته‌ای که نباید  
از آن غافل بمانیم این است که ابوزید به‌طور کامل قوانین تونس را تأیید نمی‌کند. وی  
در مباحث مربوط به ارث بدان خرده می‌گیرد، اما روش پرداخت این قوانین به مسئله  
زن و حرکت رو به جلوی آن‌ها در راستای بهبود اوضاع زنان را تأیید می‌کند (ابوزید،  
۱۳۹۷، ص. ۲۵۲).

قوانین مورد اشاره شامل ممنوعیت چندهمسری، شراکت زن در مخارج خانواده به  
شرط استقلال مالی او، دادن حق طلاق به دادگاه و رعایت احوالات زن در مسائل مالی  
و جبران خسارت زن بعد از طلاق، حضانت و در آخر برابر بودن زن و مرد در امر  
شهادت است (ابوزید، ۱۳۹۷، صص. ۲۵۲-۲۵۴). طرح و تصویب این قوانین اشاره به  
زیرکی قانونگذار دارد که توانسته نیاز جامعه و حکم را با هم هماهنگ کند و البته که  
این اقدام برخلاف اصول اسلام نیست. چراکه اسلام در پی آن است که شوکت انسانی  
زن و جایگاه او را به‌منزله موجودی برابر با مرد، به او اعطا کند. برای رسیدن به این  
مطلوب، اعتقاد به تاریخ‌مندی متون و باور به گفت‌وگوی متن مقدس و جامعه، چه در  
دوره نزول و چه در دوره تفسیر، اصلی است که به فهم بهتر متن مقدس کمک خواهد  
کرد (ابوزید، ۱۳۸۳، ص. ۷۳؛ رستگار، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۶؛ علیخانی، ۱۳۸۲، ص. ۱۳۲).

ابوزید در بررسی این قوانین ایده اصلی خود را چنین مطرح می‌کند: قرآن در پی برقراری اصل عدالت در جامعه است و شروع‌کننده این حرکت؛ از طرفی ما آگاه به تاریخ‌مندی متون هستیم، پس با توسل به این دو، مسیر برقراری عدالت را چنین طی خواهیم کرد: محدود کردن قدرت مردان از طریق قانون و اعطای استقلال مالی به زنان. برای نمونه ابوزید هنگام بررسی قانون محدود شدن ازدواج به چهار نفر در مقایسه با دوران پیشاسلام، آن را حرکت رو به جلو برای آزادی زنان از انقیاد مردان می‌داند و بیان می‌کند: «پس منحصر کردن ازدواج در یک همسر بعد از پانزده قرن یک جهش طبیعی است» (ابوزید، ۱۳۹۷، ص. ۲۵۷)، چراکه عدالت در اسلام یک اصل عمومی است و چندهمسری یک حکم، که می‌توان با رجوع به اصل، احکامی متناسب با شرایط خاص که به عدالت نزدیک است صادر کرد؛ فارغ از اینکه قانون‌گذار اهداف اسلامی یا سکولار دارد (همان، ص. ۲۶۱؛ Abu Zaid, 2001) یا هنگام پرداختن به عدم اثربری زنان، با پرداختن به مقتضیات جامعه عرب صدر اسلام می‌گوید:

باید این حکم را به شرایط اجتماعی و تاریخی وابسته بدانیم. باید تغییراتی را که طی پانزده قرن اتفاق افتاده است، در نظر بگیریم و همسو با متن حرکت و اظهار کنیم که زن مثل مرد سهم می‌برد؛ بی‌آنکه به گناه مخالفت با مبانی اصلی شریعت و در رأس آن‌ها برابری، گرفتار شویم (ابوزید، ۱۳۹۷، ص. ۲۷۰).

### نتیجه

نصر حامد ابوزید به‌منزله اندیشمند معتزلی متأخر، با تکیه بر دو اصل عقل‌گرایی و عدالت که متأثر از معتزلیان متقدم و انسان‌گرایی مدرنیته است به مطالعه زنان و ارائه راه حل برای مسئله زنان برمی‌آید. وی در این راه به رویکرد جامعه‌شناختی تاریخی متوسل می‌شود و بر آن است که زن اساساً مسئله‌ای اجتماعی است و راه حل آن نه در متن



رہیافت جامعہ شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن... \_\_\_\_\_ فاطمه جان احمدی و همکاران

دینی، بلکه در جامعه و تعریف قوانین مدنی متناسب با بافت و نیاز آن جامعه است. حامد ابوزید معتقد است که این نوع نگاه به زن در متن مقدس، قرآن، نیز وجود دارد به همین دلیل است که قرآن در امری چون چگونگی طلاق و موارد این چنینی مستقیماً به اظهار نظر نمی‌پردازد و این خطای شناختی متأثر از دو نقش پیامبری و حکمرانی است که محمد بن عبدالله (ص) در صدر اسلام هم‌زمان در مدینه‌النبی به عهده داشت. اما از آنجایی که جامعه عرب جامعه‌ای سنتی و دینی است و آموزه‌های اسلام منبع اصلی قانونگذاری در طول تاریخ این جامعه بوده است برای فهم بهتر وضعیت زن مسلمان معاصر عرب ناگزیر به پرداختن به زن در متن مقدس در این جامعه سنتی و دینی است. ابوزید با وفاداری به اعتقاد دینی خود به منزله یک مسلمان و مبانی اندیشه‌ای معتزلی و همچنین آرای مدرنیستی خود و با استفاده از روش‌های نوین علمی به سراغ متن مقدس و دیگر متون درجه دو چون حدیث، فقه، عرفان و دیگر منابع، اما مرجع در جهان اسلام می‌رود. وی وضعیت کنونی زن را محصول انحراف از معیاری می‌داند که از متن مقدس مسلمانان، قرآن، و اهداف متعالی آن رخ داده و بر آن است که تفاسیر و تحلیل‌های متون درجه دوم بیانگر خواست جامعه مردسالار و متصلب‌گرای عرب است که در آن اعطای حقوق انسانی زنان در تقابل با قدرت مردان است. حامد ابوزید برخلاف برخی از نومعتزلیان با تقید به اصول این جریان در باب مسئله زن، مبانی فکری‌اش در دین را نفی نمی‌کند. چراکه وی آگاه بر این است که به دنبال راه حل برای مشکل جامعه سنتی و مذهبی است در نتیجه با رویکرد عقلی می‌کوشد به بازتفسیر متن مقدس بپردازد. از آنجایی که به دنبال آن است تا تعارض مسئله زن و دین را به گونه‌ای حل کند که هر دو سوی ماجرا از آن بهره‌مند شوند با دفاع از اسلام بیان می‌کند که این دین با توجه به فرهنگ دوره نزول در باب حقوق زنان، نگاه رو به جلو و مترقی

داشته و بسیاری از حقوق زایل شده آن‌ها در طول تاریخ را اعاده کرده است. اما با فاصله گرفتن از صدر اسلام و تحویل مسئله زن به حوزه دین، به تدریج در طی دوران‌ها موجبات تقلیل حقوق انسانی زنان در طول تاریخ اسلام به وجود آمده است که نمودهای بیرونی این مسیر طی شده بدین قرار است: نخست از طریق کشیدن هاله مقدس بر گرد زن، دوم جدا کردن زن از ساحت انسانی خود در جامعه و تبدیل آن به یک جنس منفک و گاهی غایب از جامعه و سوم مصادره حقوق انسانی زن در ید قدرت مردان دین و سیاست، که در هر دوره‌ای کارگزاران قدرت — حاکمان و عالمان — به بازتولید این گفتمان و هژمونی آن کمک کرده‌اند، چراکه نخستین متنفعان این سیستم این افراد هستند.

پیشنهاد اساسی حامد ابوزید برای گذر از این دوران و حل بحران جوامع مسلمان و به‌ویژه برون‌رفت از مسئله زنان، وضع قوانین مدنی جدید و پویاست، قوانینی که برآمده از سکولاریسم باشند. تعریفی که ابوزید از سکولاریسم ارائه می‌دهد به معنای نفی اسلام و آموزه‌های آن نیست، بلکه او معتقد است روش اسلام در برابر رسوم و سنت‌های گذشته باید دنبال شود. به این ترتیب که نخست باید نوع نگاه اسلام به مسائل مورد توجه قرار گیرد و دغدغه‌های انسانی و اخلاقی آن را در نظر داشته باشیم. با در نظر داشتن این نکته می‌توان به سراغ متن مقدس و متون حاشیه‌ای آن، رفت و به نقد تفسیر و باز تفسیرهای کهنه و سنتی پرداخت و بدین ترتیب آن تفاسیر متأثر از بافت جامعه و شرایط تاریخی مفسر را که مضاف بر اساس و موجب ستم بر یک عده و گروهی از انسان‌ها شده است نفی کنیم. متأثر از این رویکرد ابوزید معتقد است با اتخاذ نگاه اسلامی که مجهز به عینک انسانی است می‌توان قوانینی وضع کرد که با تمسک بدان،

رہیافت جامعه‌شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن... \_\_\_\_\_ فاطمه جان‌احمدی و همکاران  
همه انسان‌ها در جوامع اسلامی (فارغ از زن یا مرد بودنشان) با حقوق برابر به سمت  
تعالی و پیشرفت حرکت کنند.

#### پی‌نوشت

۱. مکتب تفسیر ادبی از گونه‌های تفسیر قرآن در دوره معاصر است که امین خولی از متفکران و ادیبان  
مصری آن را ابداع کرد. این روش بر آن است که ویژگی اصلی قرآن وجه ادبی آن است و مفسر  
بیش و پیش از هر چیز به ویژگی‌های ادبی و هنری این متن مقدس دست یابد. از جمله ویژگی‌های  
مهم روش امین خولی بررسی موضوعی، ترتیب نزول، بررسی مفردات، ساختارشناسی قرآن با  
بهره‌گیری از زبان‌شناسی عربی و بررسی سیاق است (امین خولی، ۱۹۴۴، ص. ۴۴).

#### منابع

- ابوزید، ن.ح. (۱۳۸۰). *معنای متن*. ترجمه م. کریم‌نیا. تهران: طرح نو.
- ابوزید، ن.ح. (۱۳۸۳). *نقد گفتمان دینی*. ترجمه ح. یوسفی اشکوری و م. جواهرکلام. تهران:  
یادآوران.
- ابوزید، ن.ح. (۱۳۸۱). *حقوق زن در اسلام*، پژوهشی در تاریخ‌مندی متون. ترجمه ع. زاهدپور،  
*مجله اخلاق*، ۹، ۹۱-۱۴۹.
- ابوزید، ن.ح. (۱۳۹۴). *چنین گفت ابن‌عربی*. ترجمه س.م. راستگو. تهران: نشر نی.
- ابوزید، ن.ح. (۱۳۹۷). *دایره‌های ترس: زنان در گفتمان دینی*. ترجمه ا. امینی. تهران: نشر نگاه  
معاصر.
- ابوزید، ن.ح. (۱۹۹۲). *المنهج الوافی فی فهم النصوص الدینیة*. بیروت: الهلال.
- احمد، ل. (۱۳۹۶). *زنان و جنسیت در اسلام: ریشه‌های تاریخی جدال امروزی*. ترجمه ف.  
صادقی. تهران: نگاه معاصر.
- توسلی، س. (۱۳۹۷). *بررسی و نقد مسئله زن از دیدگاه دکتر نصر حامد ابوزید*. *مطالعات دین-  
پژوهی*، ۵-۱۹.

جامعه‌شناسی تاریخی \_\_\_\_\_ دوره ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

حاجی اسماعیلی، م.ر. و بنائیان اصفهانی، ع. (۱۳۹۴). بررسی عینی‌گرایی و نسبی‌گرایی در هرمنوتیک نصر حامد ابوزید و تأثیر آن بر بعضی برداشت‌های تفسیر وی از قرآن. *اندیشه دینی دانشگاه شیراز*، ۱، ۲۹-۴۶.

خولی، ا. (۱۹۴۴). *التفسیر معالم حیاته و منهجه الیوم*. قاهره: جماعهء الکتاب.

رستگار، م. (۱۳۹۱). بررسی و نقد برخی از مهم‌ترین ادعاها و مبانی ابوزید در «دوائر الخوف». *قبسات*، ۶۷، ۱۴۷-۱۷۸.

علوی‌نژاد، س.ح. (۱۳۷۹). *فهم متن در افق تاریخی آن*. مشهد: پژوهش‌های قرآنی، دفتر تبلیغات اسلامی.

علیخانی، ع.ا. (۱۳۸۲). عدالت قرآنی در اندیشه نصر حامد ابوزید. *مقالات و بررسی‌های ویژه فلسفه و کلام اسلامی*، ۷۶، ۱۲۱-۱۳۸.

غذامی، ع. (۱۳۸۷). *زن و زبان*. ترجمه ه. عوده‌تبار. تهران: گام نو.

نوذری، ا. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی وحی و تجربه دینی از نگاه عبدالکریم سروش و نصر حامد ابوزید. *مجموعه مقالات جریان‌شناسی و نقد اعتزال نو* (ج. ۴، چالش با ابوزید). تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

## References

- Abu Zayd, N. H. (2001). The Quranic Concept of Justice. <<https://them.polylog.org/3/fan-en.htm>>
- Mernissi, F. (1991). *Islam and Democracy: Fear of the Modern World*. Boston: Addison-Wesley Publishing.

## Nasr Hamed Abu Zayd's sociological approach to the problem of women in the contemporary Arab world

Fatemeh Janahmadi,<sup>1</sup> Razieh Afsharifar,<sup>2</sup> Seyed Hashem Aghajari<sup>3\*</sup>

Received: 17/05/2021 Accepted: 12/07/2021

### Abstract

Following the improvement of social status and human rights of women in the context of paradigm shift and discourse of European culture in recent centuries and the transfer of its intellectual achievements to the Islamic world, the problem of women became one of the important sociological problems in the Islamic world. In the Islamic world, due to the complexity of issues and the hegemony of religious discourse, an essential part of women's issues belongs to the field of religion. Nevertheless, with women becoming a problem and other native challenges for Muslim thinkers; Scholars have shifted to interdisciplinary and specialized studies in women affairs. As one of the neo-Mu'tazilite thinkers, Hamed Abu Zayd deals with the problem of women by using sciences like sociology, linguistics and, adoption approaches such as humanism and methods like hermeneutics and a new look at the interpretation of the Quran. This research is searching for the components of Abu Zayd interpretation and his solution to the women's problem. He believes the contemporary challenges of Muslim women are not rooted in the Quran but are rooted in masculine traditions, the dominance of the patriarchal atmosphere. By stating "the problem of women is essentially a social problem" he separates it from religious affairs and intends to follow the Quranic view of women, pay attention to the historicity of the scripture and ultimately resort to secularism in legislation to solve it. This research has used a descriptive-analytical method based on content analysis to receive the opinion of Abu Zayd.

---

<sup>1</sup> professor of history department, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding author) Email: f.janahmadi@modares.ac.ir  
<https://orcid.org/0000-0003-4609-2011>

<sup>2</sup> Ph.D student in Islamic history, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.  
<https://orcid.org/0000-0003-4609-2011>

<sup>3</sup> Associate Professor of History, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.  
<https://orcid.org/0000-0001-8852-9619>

\* I would like to thank Dr. Javad Morshedlou, Assistant Professor of History at Tarbiat Modares University, for their valuable advice and guidance.

جامعه‌شناسی تاریخی \_\_\_\_\_ دوره ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

**Keywords:** Woman; Hamed Abu Zayd; Islam; Neo-Mu'tazilites; Historicism, Secularism.